

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی – سعید افغانی » و داکتر صلاح الدین « سعیدی – سعید افغانی »

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

خواننده محترم!

قبل از همه مبحث خویش را به طرح این سؤال که آیا کسی که به طور عمدی و دانسته نماز را ترک می کند حکمش در دین مقدس اسلام چیست؟ آغاز می داریم.

آیا واقعاً انسانی که دارائی چنین عقیده و فعلی باشد از دایره اسلام خارج گردیده و در جمله کفار محسوب می شود؟ در این صورت آیا با او ارتباط و صلّه رحمی اخوت اسلامی جواز دارد و یا خیر؟

پروردگار با عظمت ما در سوره (الماعون) می فرماید: « فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون » یعنی: (وای بر حال آن نماز گزارانی، که در گزاردن نماز هایشان سستی می نمایند.)

در این آیت کریمه پروردگار با عظمت ما حتی به آن عده اشخاصی که، که به نماز خواندن پایبند نیستند و آن را به طور درست نمی خوانند، آنان را تهدید به عذاب دوزخ نموده اند.

همچنان در سوره المدثر از احوال دوزخیان چنین خبر می دهد: « ماسلکم فی سقر قالوا لم نکن من المصلین » یعنی: از دوزخیان می پرسند: چه چیز شما را به دوزخ در آورد؟ آنان در جواب می گویند: ما از جمله نماز گزاران نبودیم.

در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: « رأس الأمر الإسلام، و عموده الصلاة، و زروة سنانه الجهاد » (رأس دین، اسلام است و ستون آن نماز و قله رفیعش جهاد است).

و در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « إن بینه الرجل و بین الشکر و الکفر ترک الصلاة » (حد فاصل بین انسان و شرک و کفر ترک نماز است).

و در حدیثی دیگری آمده است: « العهد الذی بیننا و بینهم الصلاة؛ فمن ترکها فقد کفر » (مشخصه ما و آنها) کفار و مشرکین) نماز است. هر کس آن را ترک کند کافر می شود).

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: « بین العبد و بین الکفر ترک الصلاة » (رواه مسلم)

(یعنی: در بین بنده و بین کفر امر فرق گذارنده ترک نماز است) از این حدیث دانسته می شود: که رفتار بی نماز به رفتار کافر مانند می باشد: این نماز است که در ظاهر مسلمان را از کافر فرق و متمایز می سازد.

این معنا و مفهوم عالی را رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگری چنین بیان کرده است: «من استقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و اکل ذبیحتنا فهو المسلم» (رواه شیخان و غیرهما). یعنی: هر که هنگام نماز رو به قبله ما بگرداند و مثل ما نماز بخواند و از گوشت (ذبیحة) ما بخورد پس وی مسلمان می باشد.

هكذا در حدیثی دیگری رسول الله صلی الله علیه وسلم یکی از علامت های شناختن مسلمان مثل ما را نماز معرفی داشته است.

خواهر و برادر مسلمان!

در آیات متبرکه و احادیث نبوی که در فوق ذکر از آن به عمل آمد می توان دونتیجه ذیل را به دست آریم:

اول:

این که یک شخص مسلمانان با نماز خواندن شناخته می شود، کارت شناسائی و تذکره شناخت و یا به اصطلاح تذکره هویت یک شخص مسلمان در جامعه، همین نماز است.

دوم:

این که جزای بی نماز دوزخ است. این مفهوم عالی را پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در حدیثی چنین بیان کرده است:

« من حافظ علیها كانت له نوراً و برهاناً و نجاته يوم القيامة و من لم يحفظ علیها لم تكن له نوراً و لا برهاناً و لانجاة و كان يوم القيامة مع قارون و هامان و ابي بن خلف» (رواه أحمد و الدارمی و البیهقی و الطبرانی و ابن حبان و قال المنذری إسناد أحمد جيد كما في المرقاة).

یعنی هر که به این پنج وقت نماز پایبندی نماید برایش فردای قیامت نور و برهان و نجات خواهد بود. و شخصی که به نماز پایبند نباشد برایش نه نور است و نه برهان و نه نجات. او همراه قارون، فرعون، هامان و ابی پسر خلف در دوزخ خواهد بود.

از حکم این حدیث با صراحت و وضاحت به طور واضح معلوم می گردد، که بی نماز همراه این بد بخت ترین کافران در سوخت و گداز بی نمازی خواهد بود.

پس کسی که ایمان به الله تعالی و به روز قیامت داشته باشد، باید هرگز نماز خویش را ترک نکند. از همین جهت امام ترمذی از عبدالله ابن شکیک روایت می کند که گفت: «کان أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم لا یرون شیئاً من الأعمال ترکة کفر غیر الصلاة» (رواه الترمذی). (اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم ترک هیچ عملی را جز ترک نماز کفر نمی دانستند).

حکم تارک نماز در اسلام:

قرآن عظیم الشان در (آیت ۴۲ و ۴۳ سوره مدثر) می فرماید: «ما سلکم فی سقر؟ قالو لم نک من المصلین» (وقتی که مؤمنان از گناهکاران می پرسند چه چیزی باعث شد که به دوزخ داخل شوید؟ می گویند از نمازگزاران نبودیم و) یعنی تارک الصلاة بودنمان ما را به این روز سیاه کشانده (و دچار آتش دوزخ کرد) بلی واقعاً چنین است. عقیده نداشتن به نماز و ترک آن، به کلی آنان را مستحق عذاب دوزخ ساخت.

اما آنان که به فرض بودن نماز معتقد باشند و در عمل نماز نخوانند خداوند متعال در قرآن کریم آنان را به عذاب «غی» تهدید می کند و «غی» بیابانی در دوزخ می باشد.

آنجا که خداوند می فرماید: « فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا » (بعد از آن مردمی که هرگاه آیات رحمان بر آنان خوانده می شد به سجود می افتادند و بر خود می گریستند بعد از آن مردم دیندار مردمی ناخلف روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و آن را ترک نمودند و به دنبال شهوات و معاصی راه افتادند آنان به قعر غی انداخته خواهند شد) (مریم آیت ۵۹).

ولی آنان که به فرض بودن نماز عقیده دارند و نماز می خوانند اما در انجام آن سهل انگاری می کنند و از این که نمازشان به تأخیر افتد یا وقت آن بگذرد پروائی ندارند قرآن در مورد این افراد می فرماید: فويل للمصابين الذين هم عن صلاتهم ساهون « (ویل و عذاب خدا بر نمازگزارانی که در انجام نماز خود غفلت می کنند و از تأخیر آن پروائی ندارند و نماز خود را به دست فراموشی می سپارند) (سوره ماعون آیت ۴ و ۵).

در روایتی از سعدبن ابی وقاص آمده است که: در خصوص این آیت از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم ایشان فرمودند: « هم الذين يوخرون الصلاة عن وقتها » (آنان مردمی هستند که نماز را به تأخیر می اندازند تا از وقت آن می گذرد).

همچنان طوری که در فوق گفتیم در حدیث صحیح آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « بین الکفر و الایمان ترک الصلاة » (حد فاصل ایمان با کفر ترک نماز است) یعنی اگر کسی نماز فرض نخواند از دایره ایمان خارج است و به کفر رسیده است.

در حدیث مسند آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « من حافظ علی الصلوة کانت له نورا و برهانا و نجاته یوم القيامة و من لم یحافظ علیها لم یکن له نورا یوم القيامة مع القارون و فرعون و هامان و ابی بن خلف » (کسی که بر انجام نماز فرض مواظبت نماید و ارکان و شروط آن را درست به جای آورد و با جماعت بخواند در روز قیامت نماز نور و روشنایی او خواهد بود و دلیل و برهان ایمان داری و وسیله نجات و رهائی او از عذاب الهی خواهد بود و کسی که بر انجام نمازهای فرض مواظبت ننماید و نماز نخواند باشد او هیچ نوری ندارد و بی نصیب از هر نور و وسیله نجاتی از همراهان قارون فرعون هامان و ابی بن خلف خواهد بود).

ابونعیم از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند:

« من ترک الصلاة متعمدا کتب الله علیه اسمہ علی باب النار ممن یدخلها و من ترک صلاة متعمدا احبط الله عمله و برئت منه ذمه الله تعالی حتی یرجع لله توبة » (کسی که نماز فرض را به عمد ترک نماید خدای متعال نام او را بر در دوزخ می نویسد و از جمله داخل شوندگان به دوزخ است و کسی که یک نماز فرض را به عمد ترک کرد خدای متعال اعمال او را نابود می کند و از ذمه خدا یعنی در سایه حفظ و مراقبت خدا قرار ندارد مگر توبه کند و به سوی خدا باز گردد و بر انجام نمازهای فرض مواظبت و مداومت داشته باشد).

در حدیث اسراء و معراج آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر مردمی گذشت که سرشان را می کوفتند و باز به حال اول بر می گشتند. رسول الله صلی الله علیه وسلم از جبرئیل پرسید: اینان چه کسانی هستند؟ جبرئیل گفت: اینان مردمی هستند که از خواندن نماز فرض سرشان سنگین می شد و نماز را به وقت نمی خواندند.

بناءً حکم اسلامی و اجماع علماء بر این است: شخصی که واجب بودن نمازهای پنج گانه را انکار نماید کافر و مرتد است و حتی علماء حکم می کنند که قتل شخصی متذکره واجب می باشد.

حکم تارک نماز نزد امامان اهل سنت و جماعت

همه علمای اسلام بدین عقیده اند که اولین وظیفه یک شخص مسلمان و در نهایت امر از هر انسان است که در زندگی خویش پایبند عبادت و پرستش پروردگار با عظمت خویش باشد و ترک عبادت به عنوان کوتاهی در عمل ذاتی و اساسی فرد مسلمان به‌شمار می‌آید.

نماز یکی از عبادات در دین مقدس اسلام است، وطوری که در فوق یاد آور شدیم، ترک عمدی آن موجب کفر می‌گردد، و استدلال بر کافر بودن تارک نماز (به طور عمد) حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم است که می‌فرماید: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» (مسلم و ابوداود و ترمذی و ابن‌ماجه و احمد بن‌حنبل این حدیث را روایت کرده‌اند.) (تفاوت میان مرد با کفر، ترک نماز است).

و همچنان حدیثی: «أَلْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» (احمد و صاحبان سنن این حدیث را روایت کرده‌اند). «عهد و پیمانی که ما را از کافران جدا می‌سازد نماز است، هر کس نماز را ترک کند، کافر شده است.» ولی در مورد مفهوم و تعریف و تفصیل این موضوع که ترک نماز به صورت قصدی صورت گیرد و یا غیر قصدی، آیا در جنب این که شخص تارک نماز از فرضیت آن هم منکر است موضوعی است که در بین علماء دارای اختلاف است.

عده‌ای از علماء می‌گویند تا زمانی که شخص وجوب نماز را انکار نکند کافر نمی‌شود و احادیث «بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» را به کفر اصغر تأویل و تعبیر می‌کنند.

ولی طبق صحیح ترین فتوا، که توسط برخ دیگری از علماء صادر گردیده است، می‌گویند، ترک عمدی نماز موجب کفر (اکبر) می‌شود هر چند که وجوب آن را هم انکار نکند.

ولی هستند علمای اسلام که در اصدار حکم تارکین نماز از احتیاط استفاده نموده و تارکین نماز را به دو دسته تقسیم نموده‌اند.

دسته اول:

دسته اول شامل حال آن‌عده از بی نمازان و فاسقانی می‌شود که از جهت تنبلی و سستی نماز را ترک می‌کنند. پیروان امام صاحب ابو حنیفه (رح) می‌فرمایند: اگر شخص تا زمانی که فرضیت نماز را انکار نکند یا آن را ناچیز نداند حکم به کفر کرده نمی‌شود و به قتل هم نمی‌رسد.

حکم امام مالک و امام شافعی در مورد تارک نماز:

امام مالک و امام شافعی در مورد تارک نماز می‌فرمایند: شخص متذکره فاسق و مرتد است و کافر نمی‌باشد، تا سه روز برایش مهلت داده می‌شود. اگر در این مدت توبه کند و نماز بخواند رها گردد، و اگر توبه نکند به عنوان حد شرعی کشته شود.

شیخ عثیمین طی فتوای خویش در مجموع فتوای و رسائل (۱۱/۵۴) می‌فرماید:

« آنچه که برای من ثابت شده است این است که شخص بی نماز زمانی کافر می‌شود که به طور مطلق تارک نماز باشد، به این معنی که اصلاً نماز نخواند و به عنوان شخص نمازگزار شناخته نشود. ولی اگر گاهی اوقات نماز بخواند و گاهی اوقات نخواند، از نظر من نمی‌توان فتوای کفرش را صادر کنیم، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشَّرْكِ وَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». (فاصله بین انسان و شرک و کفر ترک نماز است) پس شخصی که گاهی اوقات، نماز می‌خواند نمی‌توان گفت که وی به طور کلی تارک نماز است.»

حکم شیخ عثیمین در مورد تارک نماز:

شیخ عثیمین استدلال حکم فتوای خویش را به این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین مستند می سازد : «العهد الذی بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» . (وجه تمایز ما و آنان) کفار و مشرکین (نماز است، پس هر کسی که آن را ترک کند کافر می‌گردد).

شیخ عثیمین می فرماید : اگر در الفاظ حدیث دقت به عمل آید ، ملاحظه می شود که پیامبر صلی الله علیه وسلم نه گفته است که : هر کسی یک نماز را ترک دهد کافر می‌شود، و نگفت : حد فاصل بین انسان و شرک و کفر یک نماز است؛ بلکه فرمود : « تَرَكَ الصَّلَاةَ » یعنی ترک دادن نماز به طور مطلق .

از ظاهر این احادیث چنین بر می آید که شخص با ترک یکی دو نماز کافر نمی‌شود مگر آن که به کلی تارک آن بشود . لیکن طوریکه قبلاً یاد آور شدیم :

کسیکه در بعضی اوقات نماز می خواند و گاهی اوقات آن را ترک می دهد فاسق می‌شود و مرتکب جرم بزرگی شده است و در واقع بر وجود خود جنایت نموده .

این شخص مادامی که وجوب نماز را انکار نکند کافر نمی‌شود . ولی به علت ترک بعضی از نمازها عاصی و نافرمان محسوب می‌شود .

ولی کسی که به طور کلی تارک نماز باشد کافر و از دین اسلام خارج است ولو این که آن را از روی تنبلی و سهل انگاری ترک کند، کما این که نصوص قرآن، سنت و اقوال صحابه همین مطلب را تأیید می کنند، تا جائی که عبدالله بن شقیق رضی الله عنه اجماع صحابه را در مورد کافر بودن تارک الصلاة نقل کرده و اسحاق بن راهویه اجماع امت را در این مورد حکایت کرده است . (مجموع فتوای و رسائل شیخ عثیمین) (۵۴/۱۱)

ادامه دارد